

Islamic management inspired by the religious science approach Allame Javadi Amoli

Alinaghi Amiri^{*}

Professor, Faculty of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: May 16, 2020; Accepted: November 7, 2020)

Abstract

Islamic Management is a mixture of management (as an instance of science) and Islam (as an instance of religion) whose explanation requires a proper understanding of science, religion, and religious science. Efforts have been made in this regard, which have resulted in the formation of religious science approaches in general, and Islamic management in particular. One of the most important of these approaches is Ayatollah Javadi Amoli's religious science viewpoint, which provides a special representation of Islamic sciences (and especially Islamic management) in the scientific world. The purpose of this research is to study the Islamic management and its characteristics based on Ayatollah Javadi Amoli's religious science theory and its various dimensions, as well as inspirations from the concepts of religion, science, reason, and narrations. The present study is a qualitative, descriptive, and analytical research project. The results of this study include the definition and explanation of Islamic management in four main dimensions: first, in the light of theology and the generalization of the concept of religion, general principles and Islamic teachings, secondly, in the light of science and its scope based on the development of the concept of reason, Thirdly, in the light of philosophy and the relationship between absolute philosophy and complementary philosophy, and fourthly, in the light of the methodology and the relationship between various experimental, rational, mystical, and narrative methods.

Keywords

Management, Islam, Religion, Science, Philosophy, Reason, Narrations.

^{*} Corresponding Author, Email: anamiri@ut.ac.ir

مدیریت اسلامی با الهام از رویکرد علم دینی علامه جوادی آملی

علی نقی امیری⁻

استاد، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷)

چکیده

مدیریت اسلامی ترکیبی است از مدیریت (به منزله مصداقی از علم) و اسلام (به منزله مصداقی از دین) که تبیین مفهوم آن مستلزم درک درست از علم و دین و علم دینی است. تلاش‌های زیادی در این رابطه صورت گرفته که در قالب رویکردهای علم دینی (و به طور خاص، مدیریت اسلامی) موضوعیت یافته‌اند. یکی از این رویکردهای مهم دیدگاه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی است که توجه به آن منجر به شکل‌گیری رویکردی خاص از علوم اسلامی و به‌ویژه مدیریت اسلامی، در فضای علمی، گردیده است. هدف از این پژوهش آن بود که با ابتناء بر نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی و ابعاد مختلف آن و الهام از مفهوم دین، علم، عقل، و نقل مدیریت اسلامی و خصوصیات آن بررسی و فهمیده شود. پژوهش حاضر کیفی، توصیفی، و مبتنی بر روش تجزیه و تحلیل است. نتایج حاصله منتهی به تعریف مدیریت اسلامی، در چهار بعد اساسی شده است: بدین نحو که اولاً در پرتو دین‌شناسی و تعمیم مفهوم دین (اصول کلی و آموزه‌های اسلامی)، ثانیاً در پرتو علم‌شناسی و گستره آن بر مبنای توسعه مفهوم عقل، ثالثاً در پرتو فلسفه‌شناسی و نسبت فلسفه مطلق و مضاف و رابعاً در پرتو روش‌شناسی و نسبت روش‌های مختلف (تجربی، عقلی، عرفانی و نقلی) و متناسب با آنها، زوایایی از مدیریت اسلامی، تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها

مدیریت، اسلام، دین، علم، عقل.

مقدمه

آنچه پرداختن به مدیریت اسلامی را ضروری می‌سازد از یک سو ملاحظه جلوه‌های مختلف آن در ابعاد مدیریتی و از سوی دیگر تنوع دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها در ارتباط با آن در جامعه و وجود نظریه‌های گوناگون در زمینه تحول علوم انسانی و مصادیق آن، از جمله مدیریت اسلامی، است. جمع این دو ایجاب می‌کند تا در قالب یک مفهوم مشترک به ایجاد همگرایی نسبی در این موضوع پرداخته شود (امیری و عابدی جعفری ۱۳۹۲: ۸).

مدیریت اسلامی ترکیبی است از مدیریت (به منزله مصادیقی از علم) و اسلام (به منزله مصادیقی از دین) که تبیین مفهوم آن مستلزم درک درست از علم و دین و علم دینی است. تلاش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته که در قالب رویکردهای علم دینی (و به طور خاص مدیریت اسلامی) مطرح شده‌اند.

توجه به ارکان اصلی نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی - مثل دین‌شناسی، علم‌شناسی، فلسفه‌شناسی، عقل‌شناسی، روش‌شناسی - می‌تواند به نحوی خاص در تبیین مدیریت اسلامی ایفای نقش کند.

روش تحقیق

این تحقیق، از حیث ماهیت و نتیجه‌ای که در پی دارد، تحقیقی بنیادی و در زمره تحقیق‌های کیفی است. رویکرد آن استقرایی - قیاسی و به دنبال اکتشاف و توصیف موضوع و ابعاد آن است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز بررسی اسناد و مدارک است.

اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش فهم و توصیف مدیریت اسلامی و ابعاد و مؤلفه‌های آن، بر اساس رویکرد علم دینی علامه جوادی آملی، است.

فرایند تحقیق

با توجه به اینکه نظریه علم دینی علامه جوادی آملی مشتمل بر چهار رویکرد اصلی و منطقی دین‌شناسی، علم‌شناسی، فلسفه‌شناسی، روش‌شناسی است، مراحل تحقیق عبارت است از:

- بررسی مدیریت اسلامی در پرتو دین‌شناسی علامه جوادی آملی
- بررسی مدیریت اسلامی در پرتو علم‌شناسی علامه جوادی آملی
- بررسی مدیریت اسلامی در پرتو فلسفه‌شناسی علامه جوادی آملی
- بررسی مدیریت اسلامی در پرتو روش‌شناسی علامه جوادی آملی

سؤال‌های تحقیق

- مدیریت اسلامی در پرتو دین‌شناسی علامه جوادی آملی چگونه توصیف می‌شود؟
- مدیریت اسلامی در پرتو علم‌شناسی علامه جوادی آملی چگونه توصیف می‌شود؟
- مدیریت اسلامی در پرتو فلسفه‌شناسی علامه جوادی آملی چگونه توصیف می‌شود؟
- مدیریت اسلامی در پرتو روش‌شناسی علامه جوادی آملی چگونه توصیف می‌شود؟

مدیریت اسلامی در پرتو دین‌شناسی

یکی از ارکان نظریه علم دینی علامه جوادی آملی، که توجه به آن می‌تواند به تبیین مفهوم مدیریت اسلامی کمک کند، نگاه ایشان به دین و تجزیه و تحلیل ابعاد آن است.

مدیریت اسلامی در پرتو تعریف دین

دین در لغت به معنای اطاعت و پیروی کردن و نیز به معنای جزا و حق کسی را دادن (پاداش یا تنبیه) است. دین در «مالک یوم الدین»^۱ به همین معنا به کار رفته است (قرشی ۱۳۷۱: ج ۲، ۳۸۰ - ۳۸۱؛ راغب ۱۳۸۳: ۱۷۵). اما در اصطلاح و به طور کلی برای دین معانی مختلفی مطرح شده که می‌توان آن‌ها را از حیث منشأ در سه معنا خلاصه کرد: عام، خاص، اخص.

در معنای عام، دین عبارت است از مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی اعم از اینکه منشأ الهی داشته باشد (مثل مسیحیت و اسلام) یا منشأ غیرالهی (مثل هندوئیسم، بودیسم، ... و حتی مارکسیسم). در معنای خاص، دین از جانب خداوند و توسط پیامبران برای هدایت بشر مطرح شده است. در معنای اخص، دین یعنی اسلام که از سوی خداوند و توسط

۱. صاحب روز جزا (حمد / ۴).

جبرئیل به پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، نازل شده است؛ که در این تحقیق قرائت شیعه اثنی عشری مورد نظر است. بنابراین «دین ثابت و حق نزد خداوند متعال همان اسلام است و جز اسلام دینی وجود ندارد.» (جوادی آملی ۱۳۸۶ الف: ۱۷۸).

بر این مبنا، اسلام عبارت است از مجموعه‌ای از عقاید (اعتقاد به توحید، نبوت، معاد، امامت)، احکام (دانستن حلال و حرام، طهارت و نجاست، ... و عمل به آن‌ها)، اخلاق (عادل بودن و ظالم نبودن، متواضع بودن، راستگو بودن و دروغگو نبودن، رؤف و مهربان بودن و خلق نیکو داشتن، حسود و طماع و کینه‌توز و عبوس و ... نبودن)، و حقوق (رعایت حق مردم و حرمت تجاوز به مال و جان و عرض آنان و یک سلسله احکام قضایی برای تنبیه متجاوز در صورت تعدی از حقوق) (جوادی آملی ۱۳۹۴: ۵۲ - ۵۳) که از ناحیه خدا برای هدایت و رستگاری بشر (جوادی آملی ۱۳۸۶ ب: ۲۲) و در قالب الفاظ (کتاب و سنت) و توسط وحی به پیامبر اسلام (ص) نازل شده است (جوادی آملی ۱۳۸۵: ۲۳۸).

بنابراین هر علم انسانی مبتنی بر اسلام باید دارای سه بعد توصیفات و ارزش‌ها و رفتارها باشد و به ترتیب با اعتقادات و احکام و اخلاق اسلامی ارتباط داشته باشد. به همین ترتیب، ابعاد مدیریت اسلامی عبارت خواهند بود از: توصیفات مدیریتی (متناسب با اعتقادات اسلامی)، ارزش‌های مدیریتی (متناسب با ارزش‌های اسلامی)، رفتارهای مدیریتی (متناسب با احکام اسلامی). به بیان دیگر، مدیریت اسلامی مجموعه‌ای است متناسب با دین به معنی اخص که اولاً مبتنی بر اعتقاد به توحید و خداگرایی، نبوت، معاد و امامت است؛ ثانیاً بایدها و نبایدها و محدودیت‌های شرعی و عمل به آن‌ها در کلیه روابط آن رعایت می‌شود؛ ثالثاً اصول عدالت و انصاف، صداقت و راستگویی، محبت‌محوری، رفتار نیکو، تواضع و فروتنی، اعتماد و اعتمادسازی و وفای به عهد از یک طرف و پرهیز از رفتار آمرانه و متکبرانه، حسادت، کینه‌ورزی، رانت‌خواری، منت‌گذاری از طرف دیگر در آن مورد تأکید است؛ رابعاً رعایت حق مردم و مردم‌محوری، رضایتمندی مردم، برخورد مناسب با عیوب مردم، صلح‌مداری، مباشرت در کارها، پرهیز از مردم‌گریزی، حرمت تجاوز به مال و جان و عرض مردم، رعایت یک سلسله احکام قضایی برای جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مردم ضروری است.

مدیریت اسلامی در پرتو تعمیم دین

جنبه دیگر نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی تعمیم مفهوم دین است که این موضوع هم نقشی بسزا در تبیین مفهوم علوم انسانی و به‌ویژه مدیریت اسلامی ایفا می‌کند.

دین از یک حیث دارای دو بعد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است. در بعد هستی‌شناسی «از منشأ پیدایش دین سؤال می‌شود» و پاسخ آن است که «دین مخلوق اراده و علم ازلی خداوند است و هیچ عامل دیگری جز خدای سبحان در تدوین محتوای آن سهمی ندارد» (واعظی ۱۳۹۰: ۱۷۴). اما در بعد معرفت‌شناسی «پرسش آن است که بشر از کجا و به چه طریق به محتوای دین و علم معرفت پیدا می‌کند و منابع معرفتی دین کدام‌اند». در این حالت «عقل و نقل، بعد از وحی و تحت تأثیر آن، هر دو منبع معرفت‌شناسی دین» را تأمین می‌کنند (واعظی ۱۳۹۰: ۱۷۴).

بر این مبنا، دین عبارت است از مجموع تکوین (که فعل خدا و مخلوق اوست) و تشریح (که قول خداست و در قالب الفاظ کتاب و سنت در اختیار بشر قرار گرفته است). علم دینی هم یا حاصل یقینی از تفسیر قول خدا و دست یافتن به معنای نهفته در ورای الفاظ است یا حاصل یقینی از تفسیر فعل خدا و دست یافتن به اسرار خلقت و قوانین حاکم بر آن.

«علوم انسانی نیز به تبع موضوعشان، یعنی انسان، عهده‌دار فهم روشمند واقعیت‌ها، پدیده‌ها، رفتارها، و کنش‌های انسانی (با هدف تربیت فردی و مدیریت اجتماعی زندگی انسان‌ها) هستند» (جوادی آملی ۱۳۹۲: ۲۴). بنابراین، آنچه در باب انسان مطرح می‌شود یا صرفاً مدعی کشف واقع است که در این صورت علم نیست یا کشف از واقع است که به دلیل ماهیت واقعیت (فعل خدا بودن) دینی است و نیاز به قید اضافی ندارد.

بر مبنای تحلیل فوق از دین، مدیریت اسلامی، به منزله یکی از مصادیق علوم انسانی، عهده‌دار فهم روشمند واقعیت‌ها و پدیده‌های مدیریتی حاکم بر رفتارها و کنش‌های انسانی در سازمان است که هدف آن سرپرستی رشد انسان در ابعاد فردی و اجتماعی و هماهنگی با آموزه‌های اسلامی (کتاب و سنت) است.

مدیریت اسلامی در پرتو جهت‌داری ابعاد اصلی (موضوع، مبنا، منبع، روش)

بر اساس نظر آیت‌الله جوادی آملی، برای اسلامی بودن هر علم و از جمله مدیریت ابعاد اصلی آن باید دارای شرایط و ویژگی‌های خاصی باشند؛ بدین معنی که در مدیریت اسلامی اولاً متناسب و هماهنگ با هستی‌شناسی و جهان‌بینی اسلامی (که در آن همه چیز و از جمله انسان مخلوق است) هر آنچه بخواهد موضوع مدیریت اسلامی قلمداد شود قبل از هر چیز باید به منزله امری مخلوق ملاحظه شود (پیروزمند ۱۳۹۲: ۱۴۲؛ جوادی آملی ۱۳۸۶: ۱۳۵ - ۱۳۶). زیرا «بر اساس جهان‌بینی اسلامی، خلقت انسان امری هماهنگ با هستی است و لذا خصوصیات، ویژگی‌ها، و ابعاد وجودی او نیز مستقل و منتزع از نظام هستی و خلقت قابل تجزیه و تحلیل نیست» (امیری و عابدی‌جعفری ۱۳۹۲: ۸۵). بنابراین، هم سازمان و زیرمجموعه‌های آن هم انسانی که درباره رفتار و ارتباطاتش بحث می‌شود باید در یک رابطه دوسویه خالق و مخلوق مطالعه شوند. مخلوق بودن موضوع مدیریت دال بر آن است که کسی او را خلق کرده و خلق او هدفمند است و همه هدف‌گذاری‌ها در سازمان و مدیریت باید در پرتو این هدف غایی و هم‌سو با آن موضوعیت یابند.

ثانیاً، بنا به رابطه طولی که بین فلسفه و فلسفه علم و علم وجود دارد، مبنای مدیریت اسلامی باید فلسفه الهی باشد _____ (۱۳۷۸). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چ ۳، قم، مرکز نشر اسراء. یعنی اصول موضوعه مدیریت اسلامی باید هماهنگ و هم‌سو با فلسفه الهی باشد (جوادی آملی ۱۳۷۸: ۱۲۹).

ثالثاً، از آنجا که «منبع علوم اسلامی باید اعم از نقل و عقل باشد» (پیروزمند ۱۳۹۲: ۱۳۹)، یافته‌های مدیریتی، همگی، باید در پرتو دین و متناسب با آن شکل گیرند. زیرا «استقلال هر یک از عقل و نقل بدون هماهنگی با دیگری با شعار مشنوم حسبنا العقل و یا با شعار ناصواب حسبنا النقل روبه‌رو خواهد شد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۸۵).

رابعاً، علم اسلامی (و از جمله مدیریت اسلامی) باید روشمند باشد و روشی در آن پذیرفته است که مفید یقین یا اطمینان عقلایی باشد؛ بدین ترتیب که یافته‌های مدیریت، چه

کشف از طبیعت و خلقت باشند و چه کشف از نقل، روشی متناسب با آن را می‌طلبند. در حالت اول روش تجربی و تجریدی و در حالت دوم روش اجتهادی موضوعیت دارد.

مدیریت اسلامی در پرتو تعالیم اسلامی

با توجه به تعالیم اسلامی، می‌توان مدیریت اسلامی را مدیریتی دانست که «زمینهٔ رشد انسان را فراهم کرده و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و علوم و فنون و تجارب بشری و در جهت رسیدن به اهداف نظام و سازمان در ابعاد مختلف، همانند یک محور، مدار، و قطب عمل می‌کند» (جوادی آملی ۱۳۹۴: ۵۶).

مراجعه به آموزه‌های اسلامی خصوصیات و ویژگی‌هایی را برای مدیریت اسلامی رقم می‌زند که با ملاحظهٔ آن‌ها می‌توان ماهیت، ابعاد، و ارکان آن را ترسیم کرد.

انسان و منابع انسانی، به منزلهٔ کانون مباحث مدیریتی، مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی، طوری توصیف شده که توجه به آن‌ها هدف‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، و سیاست‌گذاری‌ها را در مسیری خاص جهت می‌دهد. مخلوق بودن انسان از یک طرف دال بر آن است که خلقت او هدف‌دار و غایت‌مدار است و مدیریت باید رشد و توسعهٔ وجودی او را مد نظر قرار دهد و از طرف دیگر انسان در مقام آیت و نشانه‌ای از خالق خود باید تکریم شود. و لقد کرّمنا بنی آدم^۱ - و در همهٔ زمینه‌ها به ارزش و جایگاه او توجه شود. در همین رابطه، مقام خلیفه‌اللهی و خدای گونه شدن، ماهیت دوگانهٔ مادی و معنوی، و نقش آگاهی و افعال اختیاری انسان در رشد و تعالی او باعث می‌شود مدیریت اسلامی صبغه‌ای خاص به خود بگیرد (جوادی آملی ۱۳۹۴: ۶۰).

بر اساس تعالیم اسلامی، مدیریت و مسئولیت یک امانت الهی تلقی شده که سپردن آن به اهلش و توجه به شایسته‌سالاری و داشتن تخصص و تعهد در مسیر امانت‌داری و رعایت آن مورد تأکید است؛ «ان الله یامرکم ان تؤدّوا الأمانات الی اهلها»^۲. خصوصیات و توانایی‌ها و

۱. اسراء / ۷.

۲. خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به اهل او بازدهید (نساء / ۸۵).

مهارت‌هایی برای مدیران و رهبران برشمرده شده که توجه به آن‌ها اثربخشی آن‌ها را تضمین می‌کند (جوادی آملی ۱۳۹۴: ۷۸)؛ مانند قدرت (بدنی، علمی، بیانی)، تسلط بر کار، امانت‌داری (قَالَتِ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ^۱)، علم (کارشناسی علمی و فنی)، پاکی (انک الیوم لدینا مکین امین^۲؛ قال اجعلنی علی خزائن الارض، انی حفیظ علیم^۳)، تخصص و تعهد. همچنین مروری بر روایات و آموزه‌های اسلامی، به ویژه نهج البلاغه و فرمان تاریخی امام علی^۴ به مالک اشتر، بیانگر اصول و جهت‌گیری‌های خاصی بر مدیریت اسلامی است: تقیّد به انصاف و عدالت (نسبت به خدا، خود، مردم، آشنایان) و پرهیز از ظلم و تجاوز به دیگران، توجه به رضایتمندی مردم و پرهیز از رانت‌خواری و پروبال دادن به خواص (امیری ۱۳۹۴ ب: ۱۱۷ - ۱۴۰)، اعتماد و اعتمادسازی و شیوه‌های جلب اعتماد (امیری ۱۳۹۴ ب: ۱۵۹ - ۱۷۸)، وفای به عهد و جایگاه و ارزش و آثار و لوازم ایجابی و سلبی آن (امیری ۱۳۹۴ ب: ۱۷۹ - ۲۱۰)، خداگرایی، مردم‌گرایی، مدیریت بر خود، خودشناسی، خودکنترلی، خودسازی (امیری ۱۳۹۴ ب: ۲۱۴ - ۲۷۲)، تأکید بر رفتارهای ایجابی (مثل اعتدال در رفتار، برخورد مناسب با عیوب مردم، صلح‌مداری، مباشرت در کارها، محکم‌کاری در امور، عبرت‌آموزی و بهره‌گیری از تجارب دیگران) (امیری ۱۳۹۵: ۳۱ - ۱۴۹)، پرهیز دادن از رفتارهای سلبی (مانند رفتار آمرانه، متکبرانه، مردم‌گریزی، منت‌گذاری، تملق و مبالغه در کار) (امیری ۱۳۹۵: ۱۵۳ - ۲۱۲).

مدیریت اسلامی در پرتو علم‌شناسی

یکی دیگر از ارکان نظریه علم دین آیت‌الله جوادی آملی، که می‌تواند به تبیین مفهوم مدیریت اسلامی کمک کند، نگاه ایشان به علم و تجزیه و تحلیل ابعاد آن است.

۱. یکی از آن دو دختر گفت: ای پدر، این مرد را به خدمت خود اجیر کن که بهترین کسی که باید به خدمت برگزید کسی است که امین و توانا باشد (قصص / ۲۶).
۲. تو امروز که مقام معلوم شد، نزد ما امین و صاحب‌منزلت خواهی بود (یوسف / ۵۴).
۳. یوسف گفت: در این صورت مرا به خزانه‌داری مملکت و ضبط دارایی کشور منصوب کن که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم (یوسف / ۵۵).

مدیریت اسلامی در پرتو اضلاع سه‌گانه علم

وجه مشترک مفهوم علم در دیدگاه‌های مختلف آن است که «علم یعنی کشف واقع» و «مطابق بودن اندیشه با نفس الامر» و «همین امر ملاک و معیار ثبوتی صحت و سقم شناخت است» (جوادی آملی ۱۳۹۲: ۵۳). «منظور از نفس الامر این است که شیء در حد ذات خود دارای حقیقت و واقعیت معینی است ... که در آن هیچ‌گونه دگرگونی راه ندارد» (جوادی آملی ۱۳۸۶ ج: ۱۰۶). با این نگاه «علم، به تبع موضوع معرفت، هم تمامی انواع معرفت را - که در لایه‌های مختلف وصول به آن قرار دارد - شامل می‌شود و هم معیار صحت و سقم معرفت را بیان می‌کند» (جوادی آملی ۱۳۹۲: ۵۳).

در نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی «تمایز علوم به تمایز موضوعات بستگی دارد و تعیین و تمایز روش‌ها به تمایز موضوعات وابسته است» و در نتیجه «صبغه دینی و غیردینی داشتن علوم نیز به موضوعات وابستگی دارد؛ هر موضوع خاص روشی خاص می‌طلبد و صبغه‌ای مخصوص به خود دارد» (جوادی آملی ۱۳۹۲: ۵۳).

در علوم انسانی - مثل حقوق، فقه، اخلاق، مدیریت، و ... - و تولید آن‌ها توجه به سه ضلع مهم «کارآمدی، مبانی، منابع» و تفاوت آن‌ها در اسلام و غیراسلام موجب می‌شود علوم انسانی ماهیت دینی و یا غیر دینی داشته باشند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۹)؛ این مطلب در واقع بدان معنی است که یکی کشف از واقع انسان است و حکایت‌کننده «آگاهی از ربط اشياء، که فعل خدای سبحان است» (جوادی آملی ۱۳۸۸: ۱۲۴) و در نتیجه دینی و اسلامی است و دیگری اصولاً علم نیست، بلکه علم‌نما یا توهم و ساخته ذهن بشر است؛ بنابراین غیردینی است. بر این اساس، علوم انسانی، چون بر مبنای اسلام و انسان‌شناسی اسلامی استوارند، دارای منبعی واقعی - (که همان اشخاص و اشياء آفرین، یا خداوند) هستند و بنابراین دینی‌اند؛ درحالی‌که علوم انسانی بر مبنای انسان‌شناسی‌های غیر از اسلام از منبع واقعی برخوردار نیستند، بلکه حاصل تلاش ذهنی انسان‌اند که در توصیف و تبیین جای اشخاص و اشياء و نسبت آن‌ها متکی به خیال و وهم‌اند و نمی‌توان آن‌ها را حکایت‌کننده واقع و کشف آن دانست و این مطلب به معنی سستی منابع و در نتیجه بی‌اعتباری و

غیرعلمی بودن مواد و نتایج حاصله و آنچه به عنوان علم مطرح شده است (جوادی آملی ۱۳۸۸: ۴۱).

با توجه به مطالب یادشده، مدیریت اسلامی اولاً دارای محتوایی واقعی است که در قرآن کریم برای انسان ترسیم شده و به همین دلیل از کارآمدی عینی برخوردار است، ثانیاً مبانی و عوامل تعیین‌کننده چنین محتوایی عبارت‌اند از اصولی محکم مانند مواسات و مساوات، حریت و استقلال، زندگی مسالمت‌آمیز، امنیت و امانت، و از همه مهم‌تر عدل که در واقع شاه‌کلید آنهاست و بازگشت همه این‌ها باید به عدل باشد، و ثالثاً این اصول هم خود مبتنی بر اسلام توجیه‌پذیرند. چون عدل یعنی «وضع کل شیء بحسبه» و اینکه هر چیزی در جای واقعی خود قرار گیرد و جای اشیا را اشیا آفرین می‌داند و جای اشخاص را اشخاص آفرین (جوادی آملی ۱۳۸۸: ۴۲).

مدیریت اسلامی در پرتو دسته‌بندی علوم

علوم حقیقی و اعتباری

دسته‌بندی علوم به حقیقی و اعتباری یکی دیگر از روش‌هایی است که می‌تواند در تبیین مدیریت اسلامی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی ایفای نقش کند (جوادی آملی ۱۳۹۴: ۶۲ - ۶۳).

الف) علوم حقیقی: علوم حقیقی عبارت‌اند از علوم علمی که خبر از واقعیت می‌دهند، استدلالی‌اند، و می‌توان برای آن‌ها اقامه برهان کرد.

ب) علوم اعتباری: علوم اعتباری علمی هستند که خبر از واقعیت نمی‌دهند، استدلالی نیستند، و نمی‌توان برای آن‌ها اقامه برهان کرد. قراردادی‌اند، ارزش آن‌ها نسبی است و نزد هر ملتی به گونه‌ای هستند، و محتوای آن‌ها به علوم حقیقی برمی‌گردد.

نسبت علوم با اسلام

الف) علوم حقیقی «بود و نبود» (مانند حکمت و کلام) و نیز علوم «بود و نمود» (مانند عرفان نظری) زمانی دینی و اسلامی‌اند که بر اثبات خداوند و نبوت اقامه برهان کنند و اگر بر نفی این‌ها اقامه برهان کنند، ضددینی‌اند.

ب) علوم که حکایت‌کننده «باید و نباید» و نشئت‌گرفته از «بود و نبود» هستند (مانند

فقه، حقوق، اخلاق) زمانی دینی و اسلامی اند که منشأ و حیانی داشته باشند. ولی اگر بر پایه نفی توحید و نبوت و معاد تنظیم و ترسیم شده باشند یا قراردادی باشند و از سنن و آداب مردمی نشئت بگیرند، اسلامی نیستند.

ج) علومى که از خواص موجود خاص خبر مى دهند (مانند علوم ریاضی و علوم طبیعی)، ابتدا، شناسه دینی و غیردینی ندارند (یعنی نه اسلامی اند نه ضداسلامی و در واقع این علوم متعلق به هیچ مکتب و مذهبی نیستند) و تنها در صورتی اطلاق علوم دینی به آن‌ها امکان دارد که اصول و عناصر محوری آن‌ها از ره آورد انبیا باشد.

د) اسلامی بودن در علوم اعتباری هم موضوعیت ندارد. زیرا قراردادی هستند و از واقعیت خبر نمی‌دهند و برای هر ملتی ممکن است اعتبار و قراردادی خاص، مطرح باشد.

مدیریت اسلامی در پرتو علوم حقیقی

با توجه به اینکه علوم طبیعی اعم از علوم تجربی و علوم انسانی است و مدیریت نوعی علوم انسانی است، زمانی می‌توان آن را اسلامی دانست که اصول و عناصر محوری آن از نقل اخذ شده باشد. بنابراین «اگر علومى صرفاً محصول تجارب بشری باشد و هیچ ردپایی از آن در متون نقلی یافت نشود، نمی‌توان بر آن علم اسلامی اطلاق کرد» (جوادی آملی ۱۳۹۴: ۶۵). مدیریت هم اسلامی است از آن جهت که «افزون بر ترغیب بیرونی (یعنی خوب بودن خدمت به خلق و احسان به مردم از لحاظ عقلی) در درون متون دینی هم عناصر محوری فراوانی نسبت به آن ارائه شده و علم بشری صرف نیست که بشر در آن مستقل باشد و نیازمند به شارع نباشد» (جوادی آملی ۱۳۹۴: ۶۹).

مدیریت اسلامی در پرتو فلسفه‌شناسی

مدیریت اسلامی در پرتو مبانی اسلامی

فلسفه، فلسفه مضاف، علم

بر اساس نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی، «هر علمی فلسفه علم خاص خود را دارد و هر فلسفه علمی (یا فلسفه مضافی) برخاسته از نگرش خاص فلسفی (فلسفه مطلق) است» (جوادی آملی ۱۳۸۸: ۱۲۹). «فلسفه مطلق یا کلی تولید نگرش جامع به جهان و هستی و

حقیقی همچون مبدأ و معاد است» (جوادی آملی ۱۳۸۸: ۱۶۹). «موضوع فلسفه مطلق الوجود است و درباره کل جهان هستی و موجود مطلق بحث می‌کند؛ درحالی که علوم دیگر هر کدام بخشی از جهان را می‌نگرد و موضوعشان خاص است» (جعفرزاده ۱۳۹۲: ۶۰). بر این اساس «علوم نمی‌توانند جهان‌بینی ارائه دهند. چراکه ارائه جهان‌بینی از حوزه توانایی‌های علوم بیرون است و هیچ علمی بحث نمی‌کند که جهان آغازی دارد یا نه؟ انجामी دارد یا نه؟ ارائه جهان‌بینی و اصول موضوعه فقط در حوزه امکانات فلسفه مطلق است» (جعفرزاده ۱۳۹۲: ۶۱). بنابراین «آنچه فلسفه به آن می‌پردازد این است که بشر به پیامبر، امام، نبی، و ولی نیازمند است» (جوادی آملی ۱۳۹۲: ۳۰)؛ درحالی که «فلسفه مضاف مربوط به علوم است که هر یک بخشی از جهان را می‌بیند. مثلاً زمین‌شناسی، اخترشناسی، معدن‌شناسی، و ... هر یک به قلمرو خاصی معطوف هستند» (جوادی آملی ۱۳۸۸: ۱۲۹).

در هر حال، «فلسفه کلی نسبت به سایر علوم ریاست دارد و این ریاست نه تنها در تأمین هستی و موضوع برخی از مبادی تصدیقی و مسائل آن‌هاست، بلکه سرنوشت حساس و مهم اسلامی و الحادی بودن آن را رقم می‌زند» (جوادی آملی ۱۳۸۸: ۱۶۷). بنابراین، همه علوم در تحلیل سلسله‌مراتبی و بررسی اصول موضوعه حاکم بر آن‌ها به فلسفه می‌انجامند و بسته به ماهیت فلسفه صبغه دینی و اسلامی یا غیردینی پیدا می‌کنند؛ بدین معنی که «فلسفه خود به یکی از دو حالت می‌انجامد: فلسفه الهی (ترسیم نقشه موحدانه و خدامحور از جهان) و فلسفه غیرالهی (ترسیم نقشه ملحدانه و بدون خدا از جهان)» (جوادی آملی ۱۳۹۲: ۲۴). «اگر فلسفه الهی باشد، در همه علوم تسری می‌یابد و همه علوم را دینی می‌سازد؛ درحالی که اگر الحادی باشد، همه علوم را الحادی می‌کند و در این صورت بحث از علم دینی و علم انسانی-اسلامی موضوعیت ندارد و علم دینی خرافه است» (جوادی آملی ۱۳۹۲: ۲۵).

به همین دلیل «بحث از علوم انسانی-اسلامی و یا علم دینی بدون توجه به فلسفه همانند ساختن یک خیابان است بدون نقشه شهری» (جوادی آملی ۱۳۹۲: ۲۴). زیرا در واقع فلسفه مانند مهندسی است که درصدد ترسیم نقشه جامع جهان است و نسبت آن با سایر علوم آن است که جای هر یک را روی نقشه مشخص می‌کند.

مدیریت اسلامی در پرتو فلسفه مضاف خود

با توجه به مطالب یادشده، مدیریت اسلامی، به منزله علمی خاص و در راستای فلسفه و جهان بینی اسلامی، دارای فلسفه مضاف خاص خود است که عهده دار تبیین مبانی و اصول موضوعه حاکم بر آن است. این مبانی تأثیری زیربنایی در مدیریت اسلامی دارند و در آن مانند خون جاری و ساری هستند و ماهیت آن را شکل می دهند.

مبانی یا اصول موضوعه مدیریت اسلامی شامل مبانی محتوایی (مرتبط با موضوعات و مسائل مدیریت) و روشی (مرتبط با نحوه حصول به مباحث مدیریتی) است و هر یک قابل تقسیم به مبانی عام یا مشترک (که علاوه بر مدیریت اسلامی، ناظر به سایر علوم انسانی هم هستند)، خاص (که صرفاً ناظر بر مدیریت اسلامی اند)، اخص (که ناظر بر گرایش ها و مسائل مختلف مدیریت اسلامی اند) هستند.

لازمه اسلامی بودن مدیریت آن است که این اصول موضوعه مبتنی بر مجموعه اسلام به دست آیند و به منزله زیربنا در مدیریت اسلامی و مسائل و موضوعات آن جریان یابند (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی ۱۳۹۵: ۷۰ - ۷۸).

مدیریت اسلامی در پرتو اصول کلی

مبتنی بر نگاه حداکثری به دین از یک طرف و تعمیم گستره عقل از طرف دیگر و همچنین با تکیه بر روش اجتهاد، رویکرد دیگری در مدیریت اسلامی موضوعیت یافته که بر اساس آن کلیات مدیریت اسلامی قابل احصا از دین است و جزئیات آن را می توان با توسل به اجتهاد استنباط کرد. «با توجه به گستره عقل و شمولیت آن، منظور از علم نیز همه علوم (اعم از علوم تجربی و انسانی) است». به عبارت دیگر «سرچشمه همه علوم عقل است و عنوان عقل همه این علوم متفاوت را فرامی گیرد» (جوادی آملی ۱۳۸۶ ب: ۲۸). بر این اساس «دستاوردهای گونه های چهارگانه عقل تجربی، نیمه تجربی، تجربی، و ناب در صورتی که یقین آور یا موجب طمأنینه گردند علم به شمار آمده و در کنار نقل منزلت ویژه ای در ساحت دین شناسی حائز می شوند» (جوادی آملی ۱۳۸۶ ب: ۲۸).

از طرف دیگر «دین به عنوان مجموع قوانین و مقررات ثابتی است که مبین انسان و

جهان و پیوند میان آن دو بوده و نسبت به جمیع معارف و علوم نقش آشکار دارد» (جوادی آملی ۱۳۸۶ د: ۱۶۹).

می‌توان گفت معارف دینی «در واقع مبین همان قوانین و سنن ثابتی هستند که علوم مختلف در جست‌وجوی آن‌ها می‌باشند» (جوادی آملی ۱۳۷۲: ۱۲؛ باقری ۱۳۹۲: ۹۵) و حداقل اینکه «کلیات بسیاری از علوم در قرآن و سنت بیان شده است» (جوادی آملی ۱۳۸۹: ۶۲). «در این حالت فراهم آوردن یک علم دینی در گرو آن است که اصول و کلیات آن از متون دینی استخراج شود و سپس با شیوه‌ای استنباطی و به کمک آن اصول و کلیات موارد و یافته‌های جزئی مشخص گردد» (باقری ۱۳۸۲: ۲۱۲).

بر این مبنا، کلیات مدیریت اسلامی هم در متون نقلی آمده است و راه استنباط جزئیات مبتنی بر آن‌ها نیز بیان شده است. «ضابطه کلی در این زمینه عبارت است از اینکه علینا القاء الاصول و الیکم التفریع»^۱

مدیریت اسلامی در پرتو حکمت عملی

«مدیریت جزء علوم انسانی و زیرمجموعه حکمت عملی است و از این جهت دینی و غیردینی دارد» (جوادی آملی ۱۳۹۴: ۷۳). مطالعات تاریخی در باب مدیریت‌ها و اداره امور عمومی نشان می‌دهد که همواره بین ارزش‌های حاکم بر نظام سیاسی و نظام اداری نوعی ارتباط تنگاتنگ وجود داشته است و این موضوع موجب کارآمدی اداره امور عمومی از یک طرف و مشروعیت و مقبولیت دولت از طرف دیگر شده است (نوری ۱۳۹۲: ۳). بنابراین هر نظام سیاسی نظام اداری متناسب با خود را می‌طلبد. به همین دلیل است که رویکردهای مختلفی به مدیریت اسلامی مبتنی بر مطالعه مدیریت الگوهای معصوم و غیرمعصوم مطرح شده و در آن‌ها تلاش شده تجربیات موفق آن‌ها در صحنه عمل به منزله خصوصیات مدیریت اسلامی تلقی شود.

۱. القای اصول از جانب ماست و دستیابی به فروع ووظیفه شماسست (حرّ عاملی، بی تا: ج ۲۷، ص ۶۱، باب ۶، ح ۵۱).

مدیریت اسلامی در پرتو روش‌شناسی

روش‌مندی علوم

از آنجا که «سرنوشت علوم را موضوعات تعیین می‌کند، یعنی تمایز علوم به تمایز موضوعات و تمایز روش‌ها به تمایز موضوعات است» (نوری ۱۳۹۲: ۲۵) و از یک طرف همه علوم محصول عقل است و عقل هم به مثابه روشی جامع عهده‌دار درک علوم مختلف است و از طرف دیگر هر علمی موضوع خاص خود را دارد، عقل به تناسب موضوعات علوم شامل پیوستار تجربی، تجربیدی، نیمه‌تجربیدی، و ناب است. محصولات روش‌های یادشده به ترتیب عبارت‌اند از: علم تجربی، فلسفه و کلام، ریاضیات، عرفان نظری. بنابراین، شیوه استنباط مفاهیم و گزاره‌ها در علوم نظری و عملی فرق دارد. در علوم عملی (مثل علوم فقه و اصول) روش حاکم بر استنباط فروع از اصول اجتهاد است و همین روش در واقع ملاک اسلامیت آن‌هاست.

مدیریت اسلامی و سطوح شناخت

با توجه به مطالب یادشده می‌توان برای مدیریت اسلامی نوعی روش ترکیبی قائل شد که از طرفی متناسب با ابعاد وجودی انسان است و از طرف دیگر با درک ابعاد واقعی موضوعات مدیریتی هم‌خوانی دارد. انسان از سه بعد وجودی «روحی، ملکوتی، معنوی»، «فکری، خیالی، مفهومی»، و «مادی، جسمی، ظاهری» و متناسب با آن‌ها از سه ابزار شناخت (یعنی قلب، عقل، حس) و نیز سه روش شناخت (یعنی تجربی، عقلی، قلبی) برخوردار است که بین آن‌ها هماهنگی وجود دارد (امیری و عابدی جعفری ۱۳۹۲: ۸۵).

بر این اساس شناخت و آگاهی انسان از هر موضوعی دارای پیوستاری است که از لایه‌های مختلف برخوردار است و هر یک حکایت‌کننده سطحی از عمق ماهیت موضوع‌اند که انسان آن‌ها را شناسایی می‌کند. سطوح شناخت متناسب با ابزارهای شناخت انسان عبارت‌اند از:

الف) سطح ظاهری

هر موضوع دارای ابعاد ظاهری و فیزیکی است که قابل شناسایی با ابزار حسی و تجربی (عقل تجربی) است (امیری و عابدی جعفری ۱۳۹۲: ۸۷ - ۸۸).

ب) سطح انتزاعی

ابعاد ظاهری شیء، به واسطه ارتباطاتی که با هم دارند، از خصوصیات و ویژگی‌هایی برخوردارند که لزوماً با شناخت حسی و تجربی قابل بیان نیست. این خصوصیات و لایه‌های وجودی مابه‌ازای شناخت فلسفی و مفهومی توسط عقل (عقل تجریدی) است؛ یعنی عقل تجریدی حکایت‌کننده نوعی درک و کشف جنبه‌ای از واقعیت است که مبین سطحی عمیق‌تر از شناخت حسی است (امیری و عابدی‌جعفری ۱۳۹۲: ۸۹).

ج) سطح آیتی

در جهان‌بینی اسلام هر چیز مخلوق خداوند و در نتیجه جلوه و آیتی از خالق خویش است. بر این مبنا، هر موضوعی که متعلق شناخت قرار گیرد دارای علامت و نشانه‌هایی از آفریننده خود است که درک این سطح از حقیقت مخلوق، که آیت‌شناسی است، متعلق شناخت عرفانی است (جوادی آملی ۱۳۹۲: ۶۲) و توسط قلب (عقل ناب) حاصل می‌شود.

د) سطح غایتی

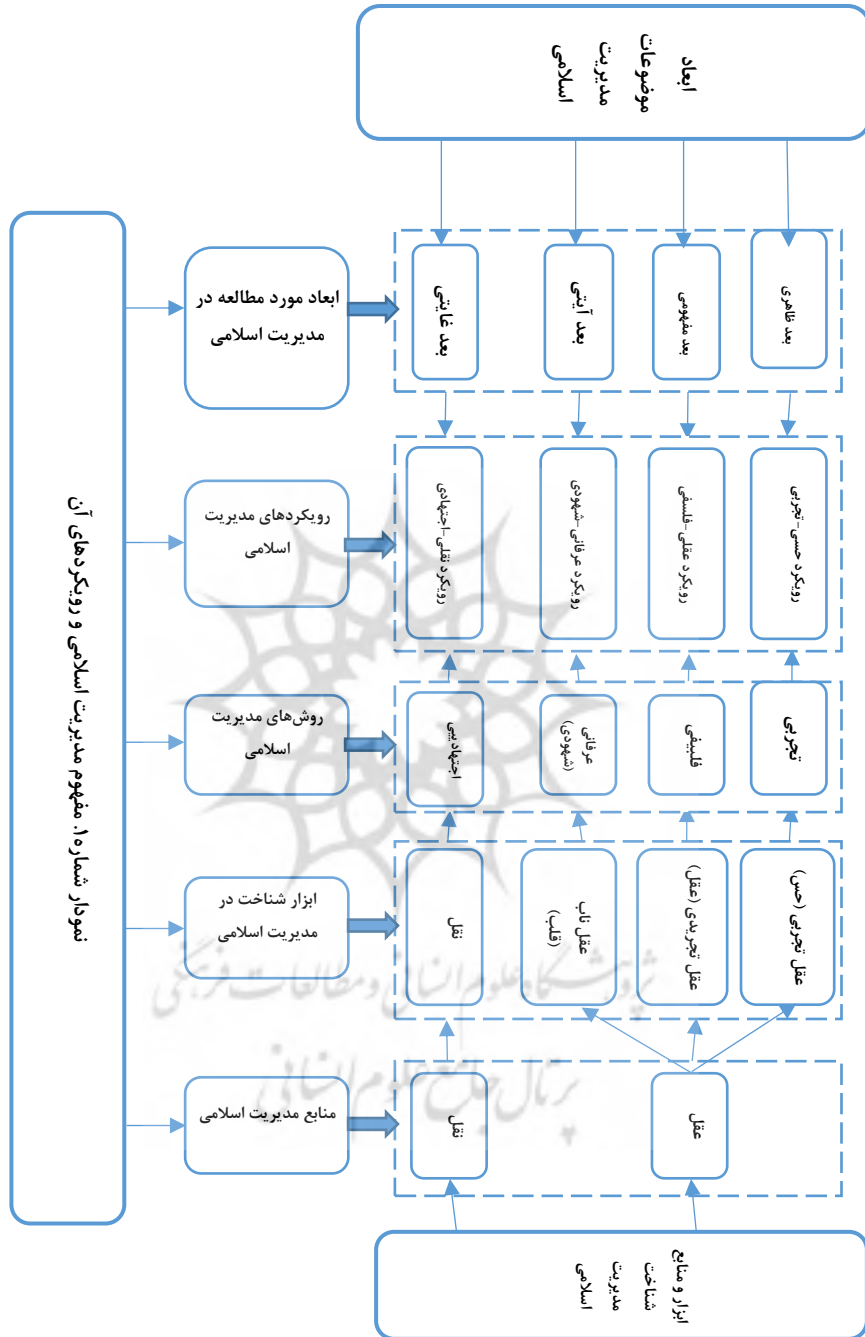
اگر پدیده‌ها مخلوق‌اند، برای اموری خلق شده‌اند و رابطه‌ای با هدف خلقت خویش دارند و از این حیث نیز باید متعلق شناخت انسان قرار گیرند. قطعاً اینکه هدف غایی از هر پدیده چیست موضوعی است که فقط آفریننده و خالق از آن خبر دارد و به همین دلیل برای درک آن نیاز به درک و حیانی و توسل به نقل است (امیری و عابدی‌جعفری ۱۳۹۲: ۸۹).

مدیریت اسلامی و رویکردهای غالب

با توجه به سطوح شناخت، برای مدیریت اسلامی ممکن است چهار رویکرد مطرح شود که اگرچه هر یک بر اساس وجه اختلافی که با دیگر رویکردها دارند قابل تفکیک‌اند و مفهوم خاص خود را دارند، به دلیل اینکه هر یک جنبه‌ای و بعدی از یک پدیده واحدند، روی هم و با نگاهی ترکیبی، می‌توانند مراتب مختلف یک واقعیت را آن‌گونه که هست منعکس سازند. این مراتب و ابعاد عبارت‌اند از ابعاد حسی، تجریدی، آیتی، و غایتی از موضوعات و مسائلی که در مدیریت مطرح است.

منظور از بعد حسی و ظاهری توجه به مجموعه‌ای از مباحث مدیریتی و جنبه‌های مادی و فیزیکی آن‌ها در سازمان و مدیریت است که عمدتاً با حواس و تجربه (عقل تجربی) مطالعه و فهمیده می‌شوند.

منظور از بعد تجریدی یا انتزاعی توجه به روابط بین مفاهیم مدیریت اسلامی است که بر اساس تجزیه و تحلیل عقلی (و به‌کارگیری عقل تجریدی) و فلسفی قابل درک‌اند. منظور از بعد آیه‌ای یا آیتی مفاهیم مدیریت اسلامی از لحاظ ارتباط آن‌ها با خداوند و مطالعه آن‌ها بر مبنای اصل خدامحوری است. در این حالت، موضوعات و مسائل مدیریتی مخلوق در نظر گرفته می‌شوند و علائم و نشانه‌های مخلوقیت در آن‌ها برجسته می‌شود و لوازم آن مورد توجه قرار می‌گیرد. تأکید بر آیت‌شناسی حکایت‌کننده جنبه عرفانی در مدیریت اسلامی است. و بعد غایتی مجموعه مدیریت اسلامی و هر یک از عناصر و اجزای سازمان و مدیریت را در رابطه با غایت و هدف غایی، که در ذات آن‌ها نهفته، بررسی می‌کند. در این حالت توجه به هماهنگی اهداف واسطه‌ای با اهداف غایی پدیده‌های مورد مطالعه از ضروریات است. تأکید بر این بعد ضرورت توکل به نقل را، هم‌سو با حقایق و اهداف غایی پدیده‌ها، نشان می‌دهد. توجه به دو بعد اخیر (آیتی و غایتی) یکی از وجوه مهم تفاوت مدیریت اسلامی با سایر دیدگاه‌هاست. زیرا دو بعد آیتی و غایتی، بر مبنای جهان‌بینی اسلامی و مخلوق بودن انسان و جهان در نظر و عمل، نوعی از مدیریت را رقم می‌زند که از جهات مختلف صبغه و رنگ الهی را در خود جلوه‌گر دارد. البته در پرتو ملاحظه بعد آیتی و غایتی قطعاً مطالعه ابعاد ظاهری و مفهومی موضوعات نیز به گونه‌ای است که تفاوتی ماهوی با دیدگاه‌های دیگر مدیریت دارد. زیرا ابعاد وجودی موضوعات مدیریتی درهم‌تنیده‌اند و قابل تفکیک نیستند و در واقع جلوه‌های یک حقیقت‌اند. به بیان دیگر، اگر پدیده‌ای مخلوق بود، این مخلوقیت در همه زوایای وجودی آن جاری و ساری است و صبغه الهی به آن خواهد داد. متناسب با ابعاد چهارگانه یادشده در مدیریت اسلامی، چهار رویکرد تجربی، فلسفی، عرفانی، نقلی می‌تواند موضوعیت یابد. نمودار ۱ ارتباط ابزار شناخت، سطوح شناخت، و رویکردهای مدیریت اسلامی مبتنی بر آن‌ها را نشان می‌دهد.



خلاصه مباحث

در جدول ۱، خلاصه‌ای از مباحث حاصله منعکس است.

جدول ۱. خلاصه مباحث

محورها	ارکان	خصوصیات و ویژگی‌ها	مفهوم مدیریت اسلامی
دین‌شناسی	تعریف دین	- نگاه عام به دین (بشری) - نگاه خاص به دین (وحياني) - نگاه اخص به دین (اسلامي)	مجموعه‌ای از توصیفات، ارزش‌ها، و رفتارهای مدیریتی مبتنی بر دین اسلام (اعتقادات، اخلاقیات، احکام)
	تعمیم دین	- دین یعنی تشریح - دین یعنی تکوین	فهم روشمند واقعیت‌ها و پدیده‌های مدیریتی حاکم بر رفتار و کنش‌های انسانی در سازمان و هم‌سو با سرپرستی رشد انسان
	جهت‌داری	- موضوع - منبع - روش - اصول	علمی که اصول موضوعه آن هم‌سو با فلسفه الهی، موضوع آن مخلوق، منبع آن عقل و نقل، و درصدد توصیف مباحث مدیریتی کاشف از طبیعت (با روش تجربی و تجریمی) (با روش تجریمی) یا کاشف از نقل (با روش اجتهادی) باشد.
علم‌شناسی	تعالیم اسلامی	- ارزش‌ها - ضدا ارزش‌ها	مجموعه‌ای از توصیفات، رفتارها، و دستورهای اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی مثل شایسته‌سالاری، مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری، توانمندی‌ها و مهارت‌های مدیریتی (تخصص و تعهد)
	آموزه‌های سه‌گانه	- مبانی - منابع - کارآمدی	مجموعه‌ای واقعی از مباحث مدیریتی و ترسیم‌شده برای رشد انسان، مبتنی بر مبانی محکم و علل‌محور، کارآمد، و سازگار با مبانی اسلامی
	علوم حقیقی و اعتباری	- بود و نبود - باید و نباید	علمی حقیقی راجع به موضوعات مدیریتی، که عناصر محوری آن هم از نظر عقلی مطلوبیت دارد هم از نظر نقلی قابل استناد به اسلام است.
فلسفه‌شناسی	فلسفه مطلق و مضاف	- اصول موضوعه - مبانی	علمی درباره موضوعات مدیریتی، که مبانی خاص آن متخذ از مبانی اسلامی (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، الزام‌شناسی) است و به منزله زیربنا در ابعاد مسائل و موضوعات آن جریان دارد.
	اصول و فروع	- کلیات - جزئیات	علمی درباره موضوعات مدیریتی که کلیات آن از متون نقلی و جزئیات آن مبتنی بر کلیات و با روش اجتهادی به دست می‌آید.
	حکمت عملی	- تجربه و عمل - الگوهای معصوم و غیرمعصوم	تجربیات موفق مدیریتی الگوهای معصوم و غیرمعصوم (هماهنگ با مبانی) در صحنه عمل
روش‌شناسی	رویکردهای شناخت	- تجربه (ظاهر) - عقل (تجرید) - قلب (آیت) - وحی (غایت)	مجموعه‌ای از توصیفات، ارزش‌ها، و رفتارهای مدیریتی که با استناد به منابع عقلی و نقلی با روش‌های تجربی، عقلی، عرفانی، و اجتهادی به دست می‌آید.

نتیجه

رویکردهای علم دینی نقشی تعیین کننده در تبیین رویکردهای مدیریت اسلامی دارند. یکی از رویکردهای مهم علم دینی نظریه علم دینی آیت الله جوادی آملی است که در این تحقیق تأثیر آن بر مفهوم مدیریت اسلامی و رویکردهای آن مطالعه شد. با توجه به ابعاد و اجزا و ساختار رویکرد یادشده و به ویژه محوریت تعمیم دین و گستره عقل در شکل گیری آن، تأثیرپذیری مدیریت اسلامی در چهار حالت بررسی شد.

در حالت اول، مدیریت اسلامی در پرتو دین شناسی و از چهار بعد مطالعه شد. در بعد اول مبتنی بر مفهوم عام و خاص و اخص از دین، در بعد دوم مبتنی بر مفهوم تعمیم یافته از دین، در بعد سوم مبتنی بر ابعاد و اضلاع اصلی و سه گانه متخذ از دین، در بعد چهارم مبتنی بر تعالیم و آموزه های دینی به توصیف و تبیین مدیریت اسلامی پرداخته شد. این مطلب مبین آن است که علامه جوادی آملی با تصرف در مفهوم دین و توسعه دامنه آن به تکوین (علاوه بر تشریح)، با تفاوتی آشکار نسبت به اغلب رویکردهای موجود، نگاهی ویژه به دین دارد که تأثیر ماهوی در علوم مختلف ایجاد می کند.

در حالت دوم، مدیریت اسلامی در پرتو علم شناسی مطالعه شد. در این حالت، از یک طرف مفهوم علوم انسانی و مدیریت به منزله مصداقی از آن تحلیل شد و از طرف دیگر و مبتنی بر تقسیم علوم به حقیقی و اعتباری نسبت اسلام و علوم حقیقی، از جمله مدیریت، مورد بحث واقع شد. بر این اساس، مدیریت زمانی اسلامی است که هم از جنبه عقلی مطلوبیت داشته باشد هم از جنبه نقلی قابل استناد به آموزه های اسلامی باشد.

در حالت سوم، مدیریت اسلامی در پرتو فلسفه شناسی بررسی شد و از زوایای منبع شناسی (عقل و نقل)، فلسفه و فلسفه مضاف، اصول کلی و حکمت عملی خصوصیات و زوایای مدیریت اسلامی مطالعه شد. از این حیث، مدیریت اسلامی محصول تناسب مبانی مدیریتی و متخذ از مبانی فلسفه عام است.

و در نهایت در حالت چهارم، در پرتو روش شناسی و با تأکید بر ابعاد موضوع شناخت (ظاهری، انتزاعی، آیتی، غایتی) از یک طرف و منابع و ابزار شناخت (عقل تجربی، عقل

تجربیدی، عقل ناب، نقل) از طرف دیگر مفهومی از مدیریت اسلامی ارائه شد که مشتمل بر رویکردهای غالب تجربی-حسی، عقلی-فلسفی، عرفانی-شهودی، و نقلی-اجتهادی است. این مفهوم از مدیریت اسلامی از یک طرف می‌تواند مبنای مقایسه و بیان اشتراک دیدگاه «طبیعت‌محور» و دیدگاه «خلقت‌محور» باشد، بدین معنی که دو رویکرد «تجربی» و «فلسفی» رویکردهای مشترک بین نگاه اسلامی به مدیریت با سایر دیدگاه‌های موجودند، اما از طرف دیگر رویکرد «عرفانی» (با تمرکز بر آیتمندی امور) و «نقلی» (با تمرکز بر غایتمندی امور) بیانگر وجه اختلاف مدیریت اسلامی و مادی‌اند. چون «آیه بودن» و «غایت‌مداری» زمانی موضوعیت دارد که جهان «مخلوق» و «هدفمند» باشد.



منابع

- امیری، علی نقی (۱۳۹۴ الف). «واکاوی رویکردهای مدیریت اسلامی»، فصل نهم از کتاب *نقطه‌های آغاز در مدیریت اسلامی*، به اهتمام علی‌رضا چیت‌سازیان و مرتضی جوان‌علی‌آذر، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- _____ (۱۳۹۴ ب). *الگوی اداره در نهج‌البلاغه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____ (۱۳۹۵). *رفتارشناسی مدیران در نهج‌البلاغه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- امیری، علی نقی؛ حسن عابدی‌جعفری (۱۳۹۲). *مدیریت اسلامی: رویکردها*، تهران، سمت.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). *هویت علم دینی، نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ «(۱۳۹۱)». «حساب علم دینی در هندسه معرفت دینی: بررسی انگاره علامه جوادی آملی»، کتاب *نقد، ویژه نامه «نقد و بررسی نظریه علم دینی حضرت آیت‌الله جوادی آملی (۱)»*، فصل‌نامه انتقادی-نظری در حوزه علوم انسانی، س ۱۵، ش ۶۹، صص ۷۵-۱۲۸.
- بیهقی، احمد بن حسین (بی‌تا). *السنن کتاب آداب المغازی*، بی‌جا، جامعه الدراسات الاسلامیه، منصوره، دار الوفاء.
- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه (۱۳۹۲) کتاب *نقد، ویژه نامه «نقد و بررسی نظریه علم دینی حضرت آیت‌الله جوادی آملی (۱)»*، فصل‌نامه انتقادی-نظری در حوزه علوم انسانی، س ۱۵، ش ۶۹، صص ۷۵-۱۲۸.
- پیروزمند، علی‌رضا (۱۳۹۲) «دوگونگی و ابهام در سرنوشت اسلامیت علوم در کلام فیلسوف متأله» کتاب *نقد، ویژه نامه «نقد و بررسی نظریه علم دینی حضرت آیت‌الله جوادی آملی (۱)»*، فصل‌نامه انتقادی-نظری در حوزه علوم انسانی، س ۱۵، ش ۶۹، صص ۱۲۹-۱۸۰.
- جعفرزاده، قاسم (۱۳۹۲). «چیستی، معنا و مسیر تحقق علم دینی از نگاه آیت‌الله جوادی آملی» کتاب *نقد، ویژه نامه «نقد و بررسی نظریه علم دینی حضرت آیت‌الله جوادی آملی (۱)»*، فصل‌نامه انتقادی-نظری در حوزه علوم انسانی، س ۱۵، ش ۶۹، صص ۴۵-۷۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). *شریعت در آینه معرفت*، چ ۵، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء.

- _____ (۱۳۸۵). حق و تکلیف در اسلام، ج ۲، قم، مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۶ الف). انتظار بشر از دین، تنظیم: محمدرضا مصطفی پور، ج ۴، قم، مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۶ ب). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تنظیم: احمد واعظی، ج ۲، قم، مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۶ ج). معرفت شناسی در قرآن، تنظیم: حمید پارسانیا، ج ۴، قم، مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۶ د). شریعت در آینه معرفت، ج ۵، قم، مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۷۸). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ج ۳، قم، مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۸). اسلام و محیط زیست، ج ۵، قم، مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۹). معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- _____ (۱۳۹۲). «فلسفه الهی و محال بودن علم غیردینی»، کتاب نقد، ویژه نامه «نقد و بررسی نظریه علم دینی حضرت آیت الله جوادی آملی (۱)»، فصلنامه انتقادی-نظری در حوزه علوم انسانی، س ۱۵، ش ۶۹، صص ۲۳-۴۴.
- _____ (۱۳۹۴). «نسبت دین و مدیریت»، تنظیم: محمدرضا مصطفی پور، فصل دوم از کتاب نقطه های آغاز در مدیریت اسلامی، به اهتمام علی رضا چیت سزایان و مرتضی جوان علی آذر، انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران.
- چیت سزایان، علی رضا؛ مرتضی جوان علی آذر (۱۳۹۴). نقطه های آغاز در مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی تا). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران، کتابفروشی اسلامییه.
- حسنی، سید رضا؛ مهدی علی پور؛ سید محمدتقی موحد ابطحی (۱۳۹۰). علم دینی، دیدگاه ها و ملاحظات، ج ۵، قم، ویراست دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). نهج البلاغه (مجموعه خطبه ها، نامه ها، و کلمات قصار امام علی^(ع))،

گردآورنده: محمد شریف‌رضی، ترجمه: نشر مشرقین، چ ۴، قم.

راغب اصفهانی) ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل (۱۳۹۸)، *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه و تحقیق همراه با تفسیر لغوی و ادبی قرآن از غلام‌رضا خسروی حسینی، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.

فیض الاسلام، سید علی‌نقی (۱۳۷۶). ترجمه و شرح نهج البلاغه: خطبه‌ها، نامه‌ها، سخنان کوتاه امیرالمؤمنین^(ع)، گردآورنده: محمد بن حسین شریف‌رضی (سید رضی)، چ ۶، [تهران]، فیض الاسلام.

قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، چ ۶، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی (۱۳۹۵). *پیش‌نویس نقشه جامع مدیریت اسلامی (نجما)*، به همراه نقد و بررسی علمی استادان مدیریت و علوم انسانی، ناظر علمی: علی رضاییان، قم، دانشگاه قم.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۵). *پیام امام: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه*، انتشارات هدف قم، ج ۱۰ و ۱۱.

نوری، روح‌الله (۱۳۹۰). *مبانی مدیریت دولتی (نظریه‌های دولت و اداره امور عمومی در ایران)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

واعظی، احمد (۱۳۹۰). *علم دینی از منظر آیت‌الله جوادی آملی (کتاب علم دینی، دیدگاه‌ها و ملاحظات)*، چ ۵، ویراست دوم، سید رضا حسینی و مهدی علی‌پور و سید محمدتقی موحد ابطحی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

References

- Amiri, A. N. & Abedi, J. (2013). *Islamic Management: Approaches*, Tehran, Samt. (in Persian)
- Amiri, A. N. (2015 A). "An Analysis of Islamic Management Approaches", Chapter 9 of the book *Starting Points in Islamic Management*, Alireza Chitsazian & Morteza Javan Aliazar, Imam Sadegh University Press, Tehran. (in Persian)
- (2015 B). *Pattern of administration in Nahj al-Balagha*, Qom, Research Institute of Hawzah & University. (in Persian)
- (2016). *The Behavior of Managers in Nahj al-Balagha*, Qom, Research Institute of Hawzah & University. (in Persian)
- Bagheri, Kh. (2013). *The identity of religious science. an epistemological view of the*

- relation of religion to the humanities*, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance Press and Publication Organization. (in Persian)
- Bagheri, Kh. (2014). "The Account of Religious Science in the Geometry of Religious Knowledge: An Investigation, *Critique book, special issue "Critique and study of the theory of religious science of Ayatollah Javadi Amoli (1)"*. , *Critical-Theoretical Quarterly in the field of humanities*, 15 (69), pp. 75-128. (in Persian)
- Basic Working Group on Islamic Management (2016). *Draft Comprehensive Map of Islamic Management (Najma), with Scientific Critique of Management and Humanities Professors*", Scientific Supervisor: Ali Rezaeian, Qom, Qom University. (in Persian)
- Bihagi, A. *Sunan Al-Maghazi's Literature Book*, University of Islamic Studies, Mansoura, Dar Al-Wafaa. (in Persian)
- Chitsazian, A., Young-Ali-Azar, M. (2015). *Starting points in Islamic management*, Tehran, Imam Sadegh (AS) University Press. (in Persian)
- Dashti, M. (2000). *Nahj al-Balaghah* (Collection of sermons. letters and short words of Imam Ali (AS), compiled by Mohammad Sharif Razi, translation: Mashreqin Publishing, fourth edition, Qom. (in Persian)
- Faiz al-Islam, S A. N. (1997). *Translation and commentary of Nahj sermons, letters, and short sayings of Imam Ali* (PBUH), Collectors: Mohammad-Hossein sharif-Razi (Syed Razi), Sixth Edition, [Tehran], Fyzalaslām.
- Ghorashi Bonabi, A. A. (1992). *Quran Dictionary*, Tehran, Islamic Books House, Ch 6. (in Persian)
- Hassani, S. R., Alipour, M., & Movahed Abtahi, S. M-Taqi (2014). *Religious Science, Views and Considerations*, Ch 5, Qom, second edition, seminary and university research. (in Persian)
- Horr Ameli, Muhammad ibn Hassan (without date). *Shiite means to study Sharia issues*, Tehran, Islamic Bookstore. (in Persian)
- Institute of Culture and Thought (2014) *Critique book, special issue "Critique and study of the theory of religious science of Ayatollah Javadi Amoli (1)"*. , *Critical-Theoretical Quarterly in the field of humanities*, 15 (69) (in Persian)
- Jafarzadeh, Q. (2013). "What is the meaning and path of realization of religious science from the point of view of Ayatollah Javadi Amoli, *Critique book, special issue "Critique and study of the theory of religious science of Ayatollah Javadi Amoli (1)"*. , *Critical-Theoretical Quarterly in the field of humanities*, 15 (69), pp. 45-73. (in Persian)
- Javadi, A. A. (2006). *Rights and Duties in Islam*; Ch II, Qom, Esra Publishing Center, Spring. (in Persian).
- (1993). *Sharia in the mirror of knowledge*, Qom, Esrae Publishing Center. (in Persian)
- (2007 A). *Human expectation of religion*, Arranged by Mohammad Reza Mostafa Pour, Qom, Esrae Publishing Center. (in Persian)
- (2007 B). *The status of reason in the geometry of religious knowledge*, Arranged by Ahmad Vaezi, Qom, Esrae Publishing Center. (in Persian)

- (2008). *The status of reason in the geometry of religious knowledge*, Ch. III, Qom, Esra 20 Publishing Center. (in Persian)
- (2010). *Meaning, possibility and strategies for the realization of religious science*, Tehran, Research Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)
- (2007 C). *Epistemology in the Qur'an*, Arranged by Hamid Parsania, Qom, Esrae Publishing Center. (in Persian)
- (2009). *Islam and the environment*, Qom, Esrae Publishing Center. (in Persian)
- (2014). *Divine philosophy and the impossibility of secular science, Critique book, special issue "Critique and study of the theory of religious science of Ayatollah Javadi Amoli (1)"*. , *Critical-Theoretical Quarterly in the field of humanities*, 15 (69), pp. 23-44. (in Persian)
- (2015). *Relationship Religion and Management*, Arranged by Mohammad Reza Mostafa Pour, Chapter Two: The Beginning Points in Islamic Management by Alireza Chitsazian and Morteza Javan Ali Azar, Imam Sadegh University Press, Tehran. (in Persian)
- (2007 D). *Sharia in the mirror of knowledge*, Qom, Esrae Publishing Center. (in Persian)
- Makarem Shirazi, N. et al. (1996). *Imam's message: a new and comprehensive explanation of Nahj al-Balaghah*, Vol. 10 & 11, Hadaf Qom Publications. (in Persian)
- Nouri, R. (2011). *Fundamentals of Public Management (Theories of Government and Public Administration in Iran)*, Qom, Seminary and University Research Institute. (in Persian)
- Piroozmand, A. (2014). *The ambiguity and ambiguity in the fate of the Islam of science in the philosopher's word, Critique book, special issue "Critique and study of the theory of religious science of Ayatollah Javadi Amoli (1)"*. , *Critical-Theoretical Quarterly in the field of humanities*, 15 (69), pp. 129-180 (in Persian)
- Ragheb Isfahani (Abu al-Qasim Hussein ibn Muhammad ibn Fadl) (2004). *Translation and research along with lexical and literary interpretation of the Qur'an by Gholamreza Khosravi Hosseini*. Tehran: Al-Muktabah Al-Mortazavieh Revival of Al-Jafaria. (in Persian)
- Waezi, A. (2011). *Religious science from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli*, Book of Religious Science, Perspectives and Considerations, Second Edition, Seyed Reza Hassani, Mehdi Alipour, Seyed Mohammad Taqi Movahed Abtahi, Qom, Seminary and University Research Institute. (in Persian)